

بولتن ۹۲/۵ 5/92

برای اطلاعات نیروهای مارکسیست - لنینیست کلیه کشورها

استخراج و فشرده‌ای از نشریات "خلاف جریان" ارگان برای ایجاد حزب مارکسیست - لنینیست آلمان غربی : اکتبر - دسامبر ۱۹۹۲

این بولتن هر سه ماه بزبان‌های ترکی ، فرانسوی ، انگلیسی ، اسپانیایی ، روسی ، زثر بوکروآشی ، کردی و فارسی نشر می‌گردد

در ماه اکتبر "خلاف جریان" این اعلامیه را منتشر نمود :

معاملات غارتگرانه تروی هاند (Treuhand) و شعارهای میان‌تهی
استعمارگران بورژوازی آلمان / غربی

در مقدمه اعلامیه چنین ذکر گردیده :

"در حالیکه با سنت غای استعمارگران کلونیالیست و قساوت‌های مشخصه اوایل سرمایه داری با عملیات عظیم مالی ، معاملات غارتگرانه مهیبی به ارزش چندین صد ملیارد مارک صورت می‌گیرند ، امپریالیستهای آلمان / غربی به این بسنده نکرده و یکی دیگر هم به آن اضافه میکنند : در یک نمایشی که در آن نقش‌ها حرفوی تعیین و به اجرا گذاشته شده اند تحت فراخوان زنده‌ای ، برای به اصطلاح "مخارج وحدت" یک یورش همه جانبه علیه حقوق سندیکائی و تشدید استعمار توده‌های زحمتکش تهیه و عملی شده است ."

* تأسیسات آلمان - شرقی - سابق : فقط آهن پاره و آشغال ؟

"مؤسسه "تروی هاند" اهرم تعیین کننده‌ای است ، تا آنچه را که بدست رویزیونیست‌های بورژوازی آلمان شرقی بود ، تأسیسات به اصطلاح "مالکیت خلق" را به ارزانترین قیمت به طبقه سرمایه داران آلمان غربی حراج کنند . برای اینکار امپریالیستهای آلمان / غربی اساساً از دروغ هدفمندی استفاده میکنند و آنهم اینکه "آلمان - شرقی کاملاً" از پسا افتاده بوده است ."

سپس اعلامیه هدف چنین تبلیغات دروغین را بر ملا می نماید :

تا توانسته باشند غارت امروزی زحمت کشان آلمان - شرقی سابق را بمشابه "تیمار اجتناب ناپذیر خیلی دشوار" جلوه داده و حراجی را که بوسیله تروی هاند به ارزانترین قیمتها صورت می‌گیرد "قابل درک" سازند . این دروغ در خدمت این هدف هم قرار دارد تا "از کار انداختن" تأسیسات فعال را نیز "قابل فهم" نمایند .

اعلامیه تصریح مینماید که این آشفته بازی بورژوازی آلمان / غربی روشمندا است : در ابتدا آنها با مدح و ستایش "وحدت آلمان" را بعنوان "ضامن" اعتلا و اشتغال مطمئن فریاد میکشند ، و اکنون بیکبارگی در تیره و تار نشان دادن اوضاع هر یک از دیگری سبقت می‌گیرند ،

"... تا توانسته باشند به اصطلاح با "شروط جانبی" مؤکداً دستمزدها را تقلیل دهند ، اجراءات مصارف اجتماعی و حقوق دموکراتیک سندیکائی را تخریب کرده باشند ."

برای تشریح مسله ، در یک مبحث ویژه "تروی هاند" به دستان وفادار به سرمایه آلمان / غربی ، به اقدامات و تدابیر تروی هاند و پیامد های آن برای زحمتکشان ، بطور دقیق تر پرداخته میشود . اعلامیه تلاش های پ - د - اس (PDSler) را که میخواهد خود را در رأس اعتراضات برحق که برضد تروی هاند صورت می‌گیرند ، قرار دهد ، افشای نموده ، بخاطر اینکه

" ۰۰۰ در واقع همان اس-۱-۲ / پ-۲-۱ اس (SED/PDS) بود که حراج اقتصاد - آلمان شرق را تدارک دیده بود ، آقاییان آنها فقط اینجا و آنجا کرسی های بیشتری را در دستگاه - تروی هاند در نظر گرفته بودند ."

در ادامه : "امپریالیست های آلمان / غربی : تمسخر و استهزا برای زحمتکشان آلمان شرقی - سابق" چنین بیان گشته :

* سه سال الحاق بلا واسطه آلمان - شرقی سابق

الحاق آلمان شرقی توسط امپریالیست های آلمان / غربی از چندین جهت خیلی پیشرفته . نظریه فقدان ارقام دقیق در این مورد ، که تا چه اندازه این پروسه تا اکنون به پیش رفته ، بمشکل میتوان تخمین زد که کدام يك از دروغ های تبلیغاتی دوپهلوی بورژوازی آلمان / غربی - یکبار میگویند که فقط " مشکلات گذرای کوچکی " وجود خواهد داشت و بار دیگر میگویند " برابری سطح زندگی شرق و غرب " ده تا بیست و پنج سال طول خواهد کشید - دروغ کوچکتر است . اما به هر صورت در این جر و بحثی نیست که در منطقه آلمان شرق سابق

" ۰۰۰ مبارزات توده ای بسیار کم در مقابل پیامد های الحاق و حتی برضد خود الحاق وجود دارد . این هم حقیقت دارد ، آن مبارزاتی که معذک صورت میگیرند ، اهمیت بزرگی دارند و از همین جهت هم آگاهانه ۰۰۰ ناچیز جلوه داده شده و انکار میگردند ."

" ۰۰۰ فقدان يك نیروی واقعا " انقلابی ، کمونیستی در آلمان شرق - سابق ، آن نیروئیکه بر مسایل مهم و داغ از دیدگاه طبقه کارگر آلمان شرقی - سابق روشنی بیندازد ، مسایل اساسی سیاست کمونی و دورنمای انقلاب سوسیالیستی - بخصوص بخاطر فاصله گرفتن از تجارب حاکمیت ریزیونیستی آلمان شرقی - را تدارک دیده و اشاعه بدهند ، آن نیروئی که ، همچنان صریح بحث را روی تمام مسایل بانیهو های انقلابی ، کمونیستی پیگیری کند ، کمبود چنین نیرو بطور دردناکی احساس میگردد . تمام نیرو هائیکه در آلمان شرقی - سابق تلاش میکنند که این خلأ را پر کنند ، از پشتیبانی و همبستگی بدون قید و شرط ما برخوردار هستند . ۰۰۰ "

موضوع دیگر اعلامیه بحث روز در مورد :

* تحریک انتقامجویانه : جشن - ۵۰ - سال موشک فو-۲ (V-2) در پئنه مینده (Peenemünde)

هشتم نوامبر ۱۹۹۲ : اعتراضات برحق برضد نمایش تبلیغاتی سیاست مداران امپریالیزم آلمان / غربی

علیه استدالات کثیف برضد مخالفین قاطع نازیها مبارزه کنیم !

در مقدمه اعلامیه چنین آمده :

" بتاریخ هشتم نوامبر سیاست مداران امپریالیزم آلمان / غربی ، يك نمایش دولتی خیلی وسیعی را براه انداختند - البته و طبعاً در "برلین - بزرگ" . اما این نمایش مزورانه آنها که قبل از هر چیز و بخصوص برای رسانه های خوبی خارجی برنامه ریزی شده بود ، دارای بعضی از نارسائی ها بود : تعداد زیاد از این ۰۰۰ ۳۰۰ (صد هزار) تظاهرات کننده بخاطر این نیامده بودند که برای آقاییان کوهل (Kohl) ، فوگل (Vogel) و یا ویستسکر (Weizsäcker) تظاهرات کنند ، بلکه برضد حملات - نازی ها در سالها ، ماه ها و هفته های اخیر ، و بسیاری نیز بر علیه اخراج پناهندگان توسط دولت و از میان برداشتن حق پناهندگی . ۰۰۰ "

* چطور مخالفین قاطح - نازیها بعنوان دشمن شماره يك اعلان میگردند :

" این يك تحريك بیشرمانه بود که همه کوهل ها ، فوگل ها و ویترسرها ، آنهائیکه بعنوان شاگردان گیبل (Göbbels) ، مردم را برضد پناهندگان می شورانند ، ۱۰۰۰ اعلام کردند : که بایستی در مقابل پوگروم - نازیها عقب نشینی کرد ، و فقط " جریان پناهندگان " را باید تنظیم نمود ۰۰۰ بدینوسیله آنها به خاطره کشتار حدود صد نفر یهودی توسط پوگروم - نازی در نوامبر ۱۹۳۸ و به خاطره ۲۰۰۰۰ (بیست هزار) یهودی که به کشتارگاههای نازیها کشته شدند و در آنجا مورد شکنجه و آزار قرار گرفتند ، و به خاطره ۲۰۰ (دویست) کنیسه و عبادتگاه ویران شده ، بی حرمتی نمودند .

آنهائیکه از قرارداد اخراج بازماندگان قتل عام سنتی و روما (Sinti Roma) را به رومانی استقبال کرده و آنرا امضا نمودند ، ناگهان مزورانه به کمی هم از "نوع دوستی" و "حرمت انسانی" دم زدند . این دیگر برای ضد نازیهای واقعی غیر قابل تحمل بود ، خیزش اینها در مقابل با این تذویر نفرت انگیز ، دلیلی کافی بود برای کتک خوردنشان ۰۰۰ دشمن شماره يك مشخص شده بود ، تحريك برضد مخالفین قاطح - نازیها صغه های تمام روزنامه ها را پر کردند .

در ادامه ، اعلامیه مشروحا " تحريك برضد مخالفین قاطح - نازیها را افشا و طرد میکند : دلیل کثیف اول : " همه بایستی برضد نازیها با هم منفق باشند - از کوهل گرفته تا چپی ها " دلیل کثیف دوم : " اعتراضات علیه آقای کوهل فقط به راست گرایان کمک میکند "

دلیل کثیف سوم : " خشونت ، خشونت است ، در این مورد هیچ تفاوتی میان چپیها و نازیها نیست ! " در خاتمه اعلامیه چنین آمده :

" سیاستمدارن امپریالیزم آلمان / غربی و نازیها واقعا " از این هراسانند : بسیج همگانی نیروهای واقعا " مترقی ، انقلابی و کمونیستی ، آن نیروهائیکه قبلا " مرگشان اعلام شده بود . "

بغیر از موضوعات فوق ، اعلامیه دارای يك موضعگیری کوتاه است :

* همبستگی با مبارزه آزاد بپخش انقلابی کرد ها ! همبستگی با رفقای انقلابی در پرو !

در دسامبر " خلافتجریان " این اعلامیه را نشر کرد :

صد ها هزار نفر به ضد آد مکشان - نازی تظاهرات کردند

بدولتی که بانی طاعون فاشیزم است ، اعتماد نباید کرد !

" این دوگانگی است : صد ها هزار انسان برضد آد مکشان - نازی تظاهرات میکنند ، قبل از همه جوانان . دست اندرکاران طاعون فاشیزم ، یعنی نمایندگان این دولت ، از شادی در پوست نمیکنند ، این تظاهرات را قلب ما هیت کرده تا آنرا بعنوان ' تظاهرات جنگی ، در مقابل خبرگذاری غلط در خارج ' ، برضد به اصطلاح - آنطوری که در گذشته نامیده میشد - ' تبلیغات بیرحمانه خارجی ها ' جلوه دهند .

این مسئله تعیین کننده خواهد بود ، که برضد این سوء استفاده بیشرمانه از يك شورش برحق با توجه به فزونی گرفتن کشتار بوسیله نازیها ، مبارزه کرده و این شورش را قاطعانه بر علیه همین دولت و دروغهایش . . . سمت و سود هیم . به این دلیل که طاعون فاشیزم معلول همین دولت است . این دولت فقط هنگامی علیه نازی ها کاری میکند ، که بوسیله گوشمالی مخالفین واقعی - نازی ها ، و یا توسط انظار بین المللی (با انگیزه های متفاوت) و یا توسط خلق های جهان که هرگز جنایات نازی ها را فراموش نخواهند کرد ، تحت فشار قرار بگیرد . . .

در حالیکه این دولت تحت فشار های فوق در صد آنست که خود را ضد نازی جا بزند ، در همان حال سعی دارد محدودیت های بیشتری بر علیه حقوق دموکراتیک اعمال کرده و اجرای قوانین اضطراری را تدارک دیده و همواره بلا واسطه تر و صریحتر حملات ارتش آلمان را در همه دنیا برنامه ریزی کرده و خود را آماده بزرگترین عملیات اخراج پناهندگان میسازد ، چنان اکسیونی که نظیرش تاکنون در آلمان دیده نشده . . .

برای بحث راجع به چگونگی این موضوعات و اینکه چه رابطه ای میان فاشیسم نازی و سرمایه داری، میان مبارزه دموکراتیک بر علیه نازی ها و آمادگی لازم برای انقلاب سوسیالیستی وجود دارد، "تزه های زیر به بحث" گذاشته میشود :

دیکتاتوری بورژوازی آلمان / غربی با پوشش پارلمانتاریزم، ستمگری سیاسی را تشدید میکند

* پارلمانتاریزم : پوششی برای دیکتاتوری بورژوازی

* ویژگی های جمهوری پارلمانی بن

* نقش های زیرکانه تقسیم شده ای احزاب بن در به مستور نگهداشتن دیکتاتوری امپریالیزم آلمان غربی

* فاشیستی ساختن اوضاع بوسیله دولت و احزاب - نازی / باندهای - نازی

* مبارزه برای حقوق دموکراتیک و تدارک برای انقلاب سوسیالیستی

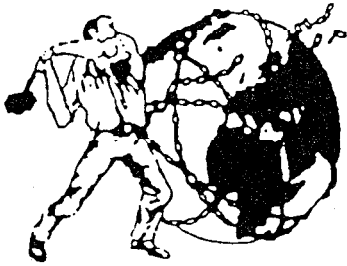
"امپریالیزم - یعنی ارتجاع در کلیه جوانب • دائما امکان مبارزه قانونی برای طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان محدود میشوند ••• امپریالیزم آلمان / غربی همیشه در همین مسیر به راه خود ادامه خواهد داد • مبارزه بر علیه هر نوع اینگونه محدودیت های حقوق دموکراتیک چه در جزء و چه در کل امریست ضروری، تا - بدون هیچ خمشیاری، به خصلت این ماشین دولتی و به دیکتاتوری ای با پوشش پارلمانی آن - قبل از هر چیز نیروهای انقلاب پرولتری را بسیج و سازماندهی نمایم •

تعیین کننده در این رابطه این خواهد بود، که این (مبارزات دموکراتیک، مترجم) و همچنان دیگر مبارزات روزمره را در خدمت این هدف قرار دهیم، تا واقعا "آگاهی را در مورد موقعیت و وظایف یک جنبش انقلابی کارگری در میان طبقه کارگر انتقال دهیم، یعنی آگاهی سوسیالیستی را بوجود آوریم و در عمل، در هر جایی که امکان آن موجود باشد، چهارچوب محدود علنیگری و پاسیفیزم را بوسیله مبارزات - توده ای بشکنیم • مبارزه برای دفاع از حقوق دموکراتیک بر علیه فاشیستی ساختن اوضاع بوسیله دولت و باندها - / احزاب نازی بایستی همسو و تحت شعاع مبارزه برای تدارک و عملی ساختن انقلاب - سوسیالیستی جهت سرنگونی این نظام اجتماعی قرار گیرد • " (این تزه های که در اینجا معرفی شدند، اکثرشان بدون تغییر از خلاف جریان شماره ۴۸ " اسناد اولین کنفرانس حزبی - مرگبر امپریالیزم آلمان غربی، انتقامجو و میلیتاریست ! " گرفته شده اند •)

موضوعات دیگر اعلامیه قرار ذیل اند :

* چگونه تلاش میشود تا قتل عمدی سیلیویو (Silvio)، وحیده (Vahide)، یئلیسس (Yeliz) و عایشه (Ayse) را که توسط نازی ها صورت گرفته، از انظار پنهان کنند •

* پنجاه سال قبل : شکست ارتش - نازی در ستالینگراد !



برای اطلاعات نیروهای مارکسیست - لنینیست کلیه کشورها

استخراج و نشرده ای از نشریات "خلاف جریان" ارگان برای ایجاد حزب
مارکسیست - لنینیست آلمان غربی : اکتبر - دسامبر ۱۹۹۲

این بولتن هر سه ماه بزبان های ترکی ، فرانسوی ، انگلیسی ، اسپانیائی ، روسی ، زشر بوکروه آستی ، کردی و فارسی نشر میگردد

در ماه ژانویه "خلاف جریان" این اعلامیه را منتشر نمود :
۶۰ سال قبل ، در ۳۰ ژانویه ۱۹۳۳ ، سرمایه مالی آلمان نمایندگی سیاسی منافع خود را به
فاشیست های نازی سپرد .

علیه جعل و خلاصه نگاری :
مشخصات اساسی فاشیزم نازی را بفهمیم !

" بمناسبت شصتمین سالروز انتخاب آدولف هیتلر به صدراعظمی آلمان ، کمتر مزخرفاتی است که
در باره ۳۰ ژانویه ۱۹۳۳ ، نازی ها ، فاشیزم ، ریشه ها و تاریخچه آن منتشر نگردد . "

از یکطرف مبلغین آشکار امپریالیسم آلمان - غربی هستند که " فاصله گیری " آنها از هیتلر
می بایستی این نکته را که فاشیزم نازی یک جزء لاینفک امپریالیسم آلمان و نظم سرمایه داری بود استتار
نماید . و در کنار آن مارکسیست ففاهائی که تظاهر به مقابله با این ایدئولوگ های امپریالیسم مینمایند و
" با خلاصه نگاری احمقانه و با مطلق سازی شان ، دلایل صحیح را از اعتبار انداخته و بدینصورت
آتش بیار محرکه آنتی کمونیزم می گردند . "

اعلامیه روشن می سازد که مقابله آنها (مارکسیست نمایان) سرانجام به این هدف خدمت می کند که :

" شوونیزم آلمانی و ویژگی های فاشیزم نازی را از معرض انتقاد دور نگهدارند . "

* دیکتاتوری آشکار تروریستی سرمایه مالی و تشریک مسئولیت خلق آلمان :

در مقابله با این پندار که گویا هر تاکیدی بر شریک جرم بودن خلق آلمان ، سرمایه مالی را از
معرض حمله دور نگه میدارد ، اعلامیه خاطر نشان می سازد که :
" وظیفه امروزی نیروهای کمونیست ، همانند گذشته ، این است که برخلاف ایدئولوگ های امپریالیسم
و همه جا علین دیگر توضیح دهند که :

♦ بدون شك سرمایه مالی آلمان در کلیت خویش ، رهبری سیاسی خود را به فاشیزم نازی سپرد و

♦ در عین حال یکی از ویژگی های اساسی فاشیزم نازی این بود که موفق گردید ، با استفاده از ترور و تخریکات
شوونیستی ، بوسیله تملق و بکارگیری سیستم اس-اس در اردوگاهها (KZ) در درون خلق
آلمان یک پشتیبانی توده ای برای امپریالیسم آلمان را که تا آن زمان هرگز نظیرش دیده نشده بود ، در -
سرکوب جنبش کارگری ، در تحریکات ضد یهودی ، برای جنگ های غارتگرانه و قتل عام خلق های دیگر ،
بوجود آورد . "

* نه تنها سرکوب جنبش کارگری آلمان . . .

برخلاف تزه های یکجانبه و مجعول مبتنی بر این ادعا که گویا هدف دیکتاتوری فاشیستی نازی ها تنها

سرکوب جنبش کارگری آلمان بوده ، اعلامیه تاکید می نماید که :

" ۰۰۰ فاشیسم نازی را نمیتوان و نباید به يك جنبه محدود نمود .۰۰۰ این تنها يك جنگ غارتگرانه بر علیه خلقهای اروپا و شوروی سوسیالیستی هم نبود ، بلکه در عين حال يك فاکتور قدرتمند ضد انقلاب بین المللی برای سرکوب نیروهای انقلابی بین المللی بود . "

* علایق سودجویی و قتل عام های سازمان یافته صنعتی :

زندان ها ، اردوگاهها (KZ) کار اجباری ، از گرسنگی کشتن ها ، پوگروم ها ، اعدام های سیستماتیک ، قتل عام - این ها کارهای روزمره جلادان نازی بودند . اما این نوع کشتار هنوز با کشتار یهودی ها و سینتی ها و روماها فرق دارد :

" در اینجا مسئله بی سابقه بودن قتل عامی است که از طرف دولت دستور داده شده ، شیوه صنعتی سازمان یافته شده ، با نظم بوروکراتیک ، با روحیه پروسی و با خونسردی تمام به اجرا درآمده است . "

برخلاف کلیه تزهایی که با به ابتذال کشانیدن مارکسیزم ، هر اقدام فاشیست های نازی را به علایق - بلاواسطه اقتصادی تقلیل داده و با اینکار خصلت بی رحمانه امپریالیزم آلمان را نا چیز جلوه می دهند ، اعلامیه تصریح می نماید که :

" طبیعتاً " فاشیسم نازی تلاشهای سود جویانه را بعنوان بالاترین قانون امپریالیسم بکناری نیفکند اما آشویتس (Auschwitz) را نمیتوان فقط بوسیله علایق اقتصادی سرمایه آلمانی تشریح کرد خیلی بیش از این مسئله آن بود که در سراسر گیتی و برای " هزار سال " نمونه ای از سببیت و درند مخواستی را بجای گذارند . آنچه آن که تاریخ جهان نظیر آن را تا آن زمان ندیده باشد . این عمل بخاطر منافع عمیقتر و طولانی مدت سرمایه انحصاری آلمان صورت گرفت . امپریالیزم آلمان بدینسان به همه خلقها نشان داد که مستعد چه جنایاتی است . "

" چرا بایستی امروزه در مورد فاشیسم نازی به بحث پرداخت ؟ " امروزه این سؤال برای بسیاری از - ضد فاشیستها طرح است ، در بخشی جداگانه در این مورد تذکر داده شده :

" کسی که بخواهد امروزه واقعا " يك مبارزه قاطعانه و رادیکال ، مبارزه ای که دست به ریشه میبرد ، بر علیه نئونازی ها به پیش برد ، بایستی بر علیه امپریالیسم آلمان غربی و ایدئولوژی اش بجنگد بخصیص ایدئولوژی نازی که افراطی ترین شکل ایدئولوژی بورژوازی آلمان است : شـوونیزم ، ناسیونالیزم ، راسیسم و آنتی زمیتیسیم آلمانی !

اعلامیه فوریه عنوان زیر را داراست :

ضروری تر از همیشه :

" مانیفست کمونیست " مارکس و انگلس را بخوانید !

در مقدمه این اعلامیه آمده است :

" در طبقه کارگر تحرکی بوجود می آید ۰۰۰ دهها هزار کارگر با خانواده‌های خود در منطقه Ruhr بر علیه نقشه اخراج دسته جمعی، در صنعت فولاد سازی به خیابانها سرانبر می‌شوند. در آلمان دمکراتیک سابق ۰۰۰ کارگران خود را برای مبارزه دفاعی بر ضد سیاست غارتگرانه امپریالیسم آلمان - غربی سازمان می‌دهند. این مبارزات تاکنون تنها به اشکال اقتصادی و منطقه‌ای محدود بوده‌اند."

" بمنظور اینکه به این نیروها چشم‌انداز روشن‌تری داده شود، بمنظور درهم آمیختن آنها در یک نبرد طبقاتی پرولتاریا بر علیه دشمن اصلی اش بورژوازی، - بدین منظور هنوز در روزهای اخیر بیشتر لازمند. در اینجا ضرورت مطالعه آثار و نوشتجات همه کمونیستهای دنیا برای ما آشکار میشود. و بیش از همه ضرورت مطالعه مانیفست کمونیست اثر کارل مارکس و فردریک انگلس."

اعلامیه مذکور نکات اساسی "مانیفست کمونیست" را چنین بیان می‌دارد:

- کارگران جهان متحد شوید!

- پرولتاریا، گورکن سرمایه‌داری

- قطعی‌ترین گسست دوگانه

" انقلاب کمونیستی قطعی‌ترین گسست از مناسبات مالکیتی است که از گذشته به ارث رسیده، جای تعجبی نیست اگر در سیر تحول خود به قطعی‌ترین شکل از اید‌های کهن گسست نماید."

(مانیفست کمونیست)

در انتها تحت عنوان "از مانیفست کمونیست بیاموزیم" آمده است:

"مانیفست کمونیست" تنها یک تجزیه و تحلیل علمی قوانین جنبش جامعه بشری و یا بخصوص سرمایه‌داری - نیست یک تجزیه و تحلیل و ارزیابی مواضع طبقات متفاوت در مقابل یکدیگر، قبل از همه بورژوازی و پرولتاریا، بلکه همچنین قبل از هر چیز یک برنامه سیاسی، یک برنامه برای عمل انقلابی است!

غیر از این، اعلامیه به یک موضوع روز می‌پردازد: "اختفای جنایات نازی‌ها و پلیس" توسط رسانه‌های گروهی امپریالیسم آلمان - غربی و دلائل آن!

در ماه مارس "خلاف جریان" اعلامیه زیر را منتشر نمود:

استالین و شوونیزم با یکدیگر سازگار نیستند!

"۰۰۰" رسانه‌های گروهی بورژوازی نعره میکشند: تصاویر استالین و پلاکتهای ناسیونالیستهای روسیه کبیر در یک تظاهرات

و در عمل: با تصاویر استالین در مسکو و سایر شهرهای شوروی سابق تظاهرات شده است. در همان لحظه اما برزنیستها، ژنرالهای جانی که هنوز شکستشان در افغانستان برایشان هضم نگردیده است، شوونیستهای روسیه کبیر و نیروهای تزاری نیز دست به تظاهرات زدند. کثافت آنتی زمیستی برانگیخته می‌شود. موضوعات ناسازگار و متضاد ظاهراً در کنار یکدیگر قرار دارند. در حقیقت اما شوونیزم روسیه کبیر و استالین با یکدیگر ناسازگارند!

اعلامیه آشکار می‌کند که در نبرد بی‌وقفه ایدئولوژیک بر علیه ایدئولوژی‌های گوناگون استثمارگران دفاع محتوایی رفیق استالین نقش قابل توجهی ایفا می‌کند.

"... در کشوری مانند امپریالیسم آلمان / غربی، شکستی که اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تحت رهبری استالین به فاشیست‌های نازی آلمان تحمیل کرد، هضم نگردیده و نخواهد گشت." غیر از آن، اعلامیه در کنار بخش فوق "استالین یک دشمن قطعی آنتی زیمیتسم بود"، یک فراخوان رهبری "خلاف جریان" به "همه نیروهای واقعا "کمونیست شوروی سابق" را شامل می‌شود، که در آن آنچه که پس از کنگره بیستم روزیونیسیم مدرن در ۱۹۶۵ در پشت جملات "مالکیت سوسیالیستی دولت" و "دموکراسی سوسیالیستی" و غیره... مخفی شده، افشا گردیده است، یعنی نظم استثمارگران سبیه بورژوازی روزیونیسیتی.

این فراخوان خاطر نشان می‌سازد که:

"نه تنها تصاویر لنین و استالین به اهتزاز در آورده شود بلکه سلاح لنین و استالین، افکار اساسی آنها بمشابه اسلحه، بمشابه برنامه‌های برای عمل، بمشابه اساس یک پلاتفرم ایدئولوژیک و سیاسی درک گردند."

* سیاست ملی استالین:

"در جریان حل مسئله ملی در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، در نبرد علیه شوونیسم روسیه کبیر و همچنین ناسیونالیسم و شوونیسم سرزمینهای دیگر، کمونیستهای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی اغلب در شرایط نامساعدی گرفتار آمده و در عمل اشتباهاتی را نیز مرتکب گردیدند."

"لیکن خط اساسی سیاست ملی لنین - استالین به آنها چشم‌انداز روشنی میداد تا این مسئله را - همه جانبه در نظر گرفته و بتوانند با انحرافات و اشتباهات عملی، از یک نظرگاه صحیح جنگیده و بر آنها چیره شوند..."

اعلامیه روشن می‌کند که این سیاست ملی صحیح با بقدرت رسیدن روزیونیسیم خروشچف - برزنی اساسا مورد تجدید نظر قرار گرفته بطور مثال اجباری و رسمی کردن زبان روسی در همه جمهوری‌های اتحاد شوروی و یا تنزل این جمهوری‌ها تا سطح تولید کنندگان مواد خام ارزان برای روسیه.

* استالین: مدافع انترناسیونالیسم پرولتاریایی:

پیروزی طبقه کارگر در کشورهای پیشرفته و آزادی خلقهای تحت ستم از یوغ امپریالیسم، بدون یک جبهه متحد انقلابی مستحکم غیر ممکن است، پایه‌گذاری یک جبهه متحد انقلابی، بدون حمایت مستقیم و قاطع جنبش آزادخواهان خلقهای تحت ستم توسط پرولتاریای ملت‌های ستمگر بر علیه امپریالیسم "میهنی" غیر ممکن است. چرا که خلقی که به خلقهای دیگر ستم روا می‌دارد، بخود آزاد نیست!"

(ف - انگلس)

توزف استالین "در باره مسائل اساسی لنینیسم" ۱۹۲۴



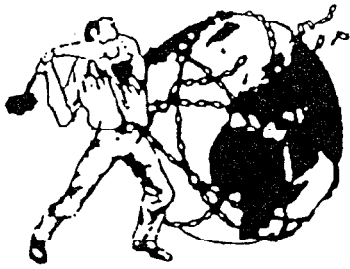
در ژانویه ۱۹۹۳ موضوعگیری مشترک

"پرچم سرخ" (ارکان مرکزی حزب مارکسیست لنینیست اتریش)، "کمونیست آلمان غربی" و "خلاف جریان" شامل بخش سوم تحلیل انترناسیونال کمونیستی در ۶۴ صفحه منتشر گردید:
مفهوم زنده تزه‌های دومین کنگره جهانی انترناسیونال کمونیستی
در باره مسئله دهقانی

غیر از آن:

موفقیت‌های انقلاب دهقانی در اتحاد شوروی تحت رهبری لنین و استالین و نتایج -
فاجعه بار خیانت روزیونیسیم خروشچفی.

بولتن 2/93



برای اطلاعات نیروهای مارکسیست - لنینیست کلیه کشورها

استخراج و فشرده‌ای از نشریات "خلاف جریان" ارگان برای ایجاد حزب
مارکسیست - لنینیست آلمان غربی : اکتبر - دسامبر ۱۹۹۲

این بولتن هر سه ماهه بزبان‌های ترکی ، فرانسوی ، انگلیسی ، اسپانیایی ، روسی ، ژرمن ، بوکرواشی ، کردی و فارسی نشر می‌گردد

مناسبت اول ماه مه روز مبارزه بین‌المللی طبقه کارگر "خلاف جریان" اعلامیه
زیررمنتشر نمود :

"مقاومت از درون خود کارخانه‌ها شکل خواهد گرفت"

امپریالیسم آلمان غربی ، در حال پیشروی ذر تمامی زمینه‌هاست .

در عرصه بین‌المللی به غارت خلقهای تحت ستم شدت میبخشد بویژه در کشورهای
اروپای شرقی از تحریک درگیریهای نظامی ناسیونالیستی بهره‌برداری می‌کند .
حضور نظامی ارتش آلمان در عرصه جهانی تبلیغ شده و گسترش
می‌یابد . در خود آلمان غربی و در جمهوری دمکراتیک آلمان - سابق ، ترور دولتی ،
اخراج و دستگیریهای پناهندگان در دستور روز قرار دارند - جنایات
نازی‌ها همچنان ادامه می‌یابد . در اعلامیه چنین آمده است :

"هرچه شرایط اجتماعی توده‌های وسیع زحمتکشان بدتر می
گردد ، استثمار آنها شدت بیشتری می‌یابد "

نظری به مبارزات ماههای گذشته در کارخانه‌ها ، که در بخش برگزیده‌ای
مورد تحلیل قرار گرفته‌اند ، نشان می‌دهد که مقاومت عادلانه مانند مقاومت در کروب
- هویس در این هاوژن ، زیگن و هاگن و قبل از هر چیز بر علیه مقرون به صرفه
کردن و از کار انداختن کارخانه‌ها ، بحرکت درمی‌آید .

انحراف مبارزات کارگری توسط حکمرانان سندیکاها سراسری آلمان

حکمرانان سندیکاها سراسری آلمان در امر مبارزه علیه آکسیونهای مقاومت
و خرابکاری در آنها نقش تعیین کننده‌ای ایفا می‌کنند . در کنار این وظیفه ،
که با دلایل ناسیونالیستی آلمانی برای زحمتکشان بدتر شدن اوضاع زندگی‌شان
را مستدل می‌سازند ، همواره موفق می‌گردند توسط دستگاه مقتدر سندیکا :

"... توسط ابزار مالی ، روابط و شبکه‌هایی از رهبران حرفه‌ای سندیکاهار ابد
دلخواه خود در مبارزات کارگری در اس قرار داده و سپس آنها را با فشار دگمه‌ای
از کار بیندازند . این "بازی" طبیعتاً از طرفی به کاهش حدت مبارزات خدمت
می‌کند ... اما بسیار مهمتر و طولی‌مدت تر از آن تخریب روحی در این
مبارزات است . حس ناتوانی و نومیدی اشاعه داده میشود .

آگاهی طبقاتی کارگران ، بطور خودبخودی بوجود نمی‌آید :

تجارب

حاصله در این مبارزات برای ادامه رشد مبارزات در آلمان غربی غیر قابل چشم
پوشی هستند : در آنها :

"... اشکال جنینی آگاهی درباره‌ی امکانات و وظایف ... پرولتاریا
وجود دارد - نه بیشتر و البته نه کمتر . چرا که بطور خودبخودی
همواره ایدیولوژی غالب ، ایدیولوژی امپریالیستی خود را به کرسی می
نشاند . " به این علت ساده که تاریخ پیدایش ایدیولوژی
بورژوازی بمراتبی کمتر از ایدیولوژی سوسیالیستی است و بطور جامعتری
تنظیم گردیده است و برای انتشار خود در اوسایل بمراتبی بیشتری است . " (چه باید کرد
۱۹۰۲)

بخصوص بورژوازی آلمان غربی ، که در به اسارت کشاندن همه جانبه
ایدیولوژیک زحمتکشان یکی از مجربترین‌ها در دنیا محسوب می‌گردد ، همواره موفق

می‌گردد که مبارزات کارگری راست و سودا و در جهت اهداف خودش قابل استفاده نماید. بدین جهت تنها تجارب مبارزات خود بخودی، بمنظور دست بردن به ریشه بدبختی‌ها، سرنگونی امپریالیسم آلمان/ غربی کافی نیستند. در این راستا آگاهی پرولتری ضروری است:

"شعور سیاسی طبقاتی را فقط از بیرون، یعنی از بیرون مبارزه اقتصادی ... میتوان برای کارگر آورد. رشته‌ای که این دانش را فقط از آن میتوان تحصیل نمود رشته مناسبات تمام طبقات و قشرها با دولت و حکومت و رشته ارتباط متقابل بین تمام طبقات می باشد." (لنین، چه باید کرد؟ ۱۹۰۲)

آگاهی طبقاتی پرولتری فقط از بررسی مناسبات بین‌المللی طبقات، شناخت تقابل بین‌المللی نیروهای انقلاب و ضدانقلاب، حاصل نمی‌گردد.

"کنجینه، پر بار تجارب مبارزات پرولتاریای بین‌المللی و خلقهای تحسنتم ... یک سرچشمه انکارناپذیر آگاهی طبقاتی پرولتری است. و در نهایت نه تنها تجارب و مبارزات امروزی بلکه همچنین مبارزات نسلهای کارگران، بیروزیها و شکستهای آنها نیز بحساب می‌آیند ... آگاهی طبقاتی پرولتری بر شناخت مارکسیزم لنینیسم استوار است ... که کلیه تجارب مبارزات طبقاتی را بررسی کرده، تعمیم داده است.

اول ماه مه روز مبارزه کارگران در سراسر جهان!

امروزه، در حالیکه امپریالیستها در حال پیشروی هستند، در حالیکه آنها در همه جا موفق می‌گردند خلقها را علیه یکدیگر تحریک کنند و به جنبش انقلابی علیه امپریالیسم جهانی ضربه‌های سختی وارد آورند:

"... درک این نکته که نه تنها استثمارگران ارتجاعی "کشور خودی" بخشی از نیروی ضدانقلابی - امپریالیستی بین‌المللی هستند، از اهمیت بیشتری برخوردار است. پیش از پیش بایستی این موضوع نیز تبلیغ و برجسته گردد که از سوی دیگر مبارزه انقلابی در سراسر جهان بخشی از مبارزه بین‌المللی علیه امپریالیسم و ارتجاع ... یک بخش از مبارزه برای اهداف سوسیالیستی، برای کمونیسم در سراسر جهان است ... کارگران جهان متحد شوید!

یک بحث زنده دیگر تحت عنوان "علیه توسعه طلبیمای ارتش انتقام جوی آلمان بجنگیم" در اعلامیه فوق طرح گردیده است.

علیه حضور نظامی ارتش آلمان در یوگسلاوی سابق و سومالی بجنگیم!

علیه تدارکات جنگی مبارزه کنیم!

در ماه مه اعلامیه زیر از "خلاف جریان" منتشر گردید:

سلطه، سرمایه، مالی و "دیون دولتی" فزاینده

در مقدمه آمده است: "در همه گوشه و کنار، نه تنها مزد واقعی توده‌های زحمتکش تقلیل داده میشود بلکه خدمات اجتماعی نیز کاهش می‌یابند. هماهنگ با آن سرمایه‌داران، اتحادیه‌ها و سخنگویان آنها، نویسندگان جیره‌خوار و سیاستمداران سرمایه ... هوار می‌کشند که همه اینها "ضرورت فوری" دارند، چرا که "اقتصاد آلمان" از کدشده، بدهی‌ها دولت را به ورشکستگی سوق میدهند و غیره ... خلاصه اینکه ایدئولوژی "صرفه جویی" بایستی بمغز مردم تزریق شده، حس آمادگی "قربانی دادن" در راه "مصلح ملی" برانگیخته شود و با مخلوطی از نیمه حقایق و دروغها امواج مبارزه توده‌های وسیع زحمتکش در شهر و روستا فلاح و درهم شکسته گردد.

"دیون دولتی - در راستای مصالح سرمایه مالی!"

وقتی که کسی مقروض است، بایستی از کسی که بیش از احتیاجش پول دارد، قرض کند. اینکه دولت آلمان / غربی میلیاردها مقروض است و به ارزش میلیاردها بهره این پول را می‌پردازد، تنها این را نشان میدهد که در اینجا پول به اندازه کافی موجود است، که بانکها، سرمایه‌مالی آلمان/ غربی، با کمال میل میلیاردهای ضروری را قرض میدهند. واقعیت تحت کنترل گرفتن دستگاه دولتی ... از جانب سرمایه‌مالی میتواند بدینصورت روشن اثبات گردد: بانکها، کنسرن‌های پایه‌های اساسی ... سیاست امپریالیسم آلمان غربی را انشاء می‌کنند ... چرا که آنها دستگاه دولتی را از نظر مالی هم منجم در دستار

در بخش جداگانه ای از اعلامیه به این پرسشها که "چه کسی ازدیون دولتی نفع می برد؟"، چگونه بدهی های دولتی بوجود می آیند؟" پرداخته میشود و در ادامه :

- فریاد بحران و بحران واقعی :

اعلامیه آشکار می کند که بورژوازی آلمان / غربی با "ناله های پیرامون بحران این هدف را دنبال می کند که : "... به لحاظ اقتصادی تشدید غارت توده های زحمتکش و قبل از همه طبقه کارگر را توجیه نماید و به لحاظ سیاسی تشدید نظامی و فاشیستی کردن فزاینده دستگاه دولتی را به دلایل "امنیتی" (قدرتشان) به پیش برده و به لحاظ ایدئولوژیک بیش از پیش مبتکی به سم شوونیسم آلمان، بعنوان پاسخی به بحران بی آیندگی ، شوند."

در عین حال نبایستی نادیده گرفته شود که سیستم جهانی امپریالیستی در یک بحران بسر میبرد: فروگرسنگی غیرقابل تصور خلقهای جهان ، که از جانب امپریالیسم تحت ستم و استثمار هستند، اضافه تولید در کشورهای امپریالیستی ، بیکاری ، بسته شدن کارخانجات، ظهور بحران درهمه جا برخلاف - بعنوان مثال : بحران اقتصادی جهانی ۱۹۲۹ ، بخصوص امپریالیسم آلمان / غربی این زیرکی را دارد که :

" ... ورشکستگی دولتی کشورهای رویزیونیستی سابق ، لهستان ، مجارستان ، اتحاد شوروی و غیره را برای سرمایه گذاری های سود آور استفاده کرده ، مناطق تحت نفوذش را گسترش داده و میلیاردها میلیارد از این سرزمینها در بیاورد . بخصوصی در طی الحاق و غارت جمهوری دمکراتیک آلمان سابق ، بویژه روشن میگردد که بحران رشدیابنده هنوز هیچ خطری برای میلیاردها سود سرمایه مالی آلمان / غربی در بر ندارد ، بنابراین در پشت شکوه های درباره ؛ "مخارج وحدت" تنها

" ... یک رشد عظیم دستگاههای تولیدی و سرمایه برای سرمایه مالی آلمان / غربی نهفته است !

- بحران اقتصادی و مبارزات انقلابی :

" آنچه که برای امپریالیسم تاحدی جدی و واقعا " تهدید آمیز است ، یک بحران اقتصادی خالص " نبوده ، بلکه همواره در هر صورت نتیجه ی مبارزات انقلابی در حال توسعه و نیرومند خلقهای جهان و مبارزه ی طبقاتی با جهت گیری انقلابی طبقه ؛ کارگر در کشور خودی می باشد ."

اعلامیه تاکید می کند که امپریالیسم آلمان / غربی - برخلاف ۱۹۲۹ - در حال حاضر ، در شرایطی که نه در عرصه بین المللی و نه در کشور خودی یک جنبش کمونیستی قدرتمند مبارزه را علیه او به پیش نمی برد ، تاحدی به یک ثبات و تنظیم طبقه کارگر ، با وجود مبارزات کارگری مهم و ضروری در سالهای اخیر ، دست یافته است .

هیچ توهمی به امپریالیسم آلمان / غربی نباید داشت .

نظریه افزایش قدرت جهانی امپریالیسم آلمان / غربی ، پیشبینی های کوتاه نظرانه پیرامون پایان یافتن و یا حتی "درهم شکستن" امپریالیسم آلمان / غربی دوران واقعیت است .

" برعکس ! همه نیروهای انقلابی متمایل به کمونیسم بایستی خود را با سازماندهی های دراز مدت برای مبارزاتی عمیق و طولانی مدت بر علیه امپریالیسم جهانی و امپریالیسم آلمان / غربی سازگار سازند ."

اعلامیه ماه ژوین " خلاف جریان " عنوان زیر را داراست : سیمه گنج ، هولیا گنج ، هاتیسه گنج ، گولسوم اینسه ، گولیستان اوزتورک توسط نازی ها بقتل رسیدند !

باشدتی دوو سه چند ان ضربه ؛ متقابل بزنیم !

سیمه گنج (۴ ساله) ، هولیاگنج (۹ ساله) ، هاتیسه گنج (۱۸ ساله) ، کولسوم انیسه (۲۸ ساله) و گولیستان اوزتورک (۱۳ ساله) ... قربانیان جنایات نازیها در زولنیکن گردیدند. این جنایات راسیستی نقطه اوج مجددی از سلسله حملات ، آتشافروزیها و جنایات بر ضد دوستان کارگر از کشورهای دیگر، پناهندگان ، سینتی و روماها، ساکنین یهودی و همه اقلیتهای دیگر مانند بیخانمانها، معلولین که از جانب نازیها بعنوان دشمن شناخته شده اند بود .

آتش افروزان در " بن " نشسته اند :

" سیاستمداران بن بایه اصطلاح "توافقنامه پناهندگی" تیر اول را شلیک نمودند. پس از آنکه قبلا" توسط تحریکات راسیستی علیه همه چیزهای " غریب " ماهها زمینه چینی نمودند و بعنوان شعارپردازان برای باندهای نازی که در سراسر کشور سازمان داده شده اند، موثر بوده اند ."

دفاع ضدنیونازیها را سازمان دهیم !

بیش از پیش در میان جنبش اعتراضی علیه طامون نازی ای که در حال توسعه است آشکار می گردد که اعتماد به سیاستمداران و ارگانهای دولتی توهم خطرناکی است ... برای اینکه بتوانیم بر ضد نیونازیها موثر به پیش رویم ، مجبوریم دفاع خودی ضدفاشیستی را سازمان دهیم . در این راستا نیایستی تحت تاثیر تحریکات دروغ گزاریهای بورژوازی قرار گرفت که مدعیند " قهر، قهر است " و " چپ = راست " و ...

علیه تلاشهای انشعاب طلبانه :

تبلیغات تحریکگر امپریالیستیهای آلمان / غربی کوشش می نماید بر اساس شعار " تفرقه بیانداز ، حکومت کن " ،

" در یک همکاری نتیجه مند با دولت فاشیستی ترکیه و نمایندگان ، از این واقعیت که در جنبش اعتراضی کنونی فاشیستیهای ترکیه نیز فعال هستند ، سوء استفاده کند . آنها می کوشند خود را در راس جنبش قرار داده و از این طریق امتیازاتی کسب نمایند .

اگرچه خبرگزاریهای بورژوازی از این موضوع برای انحراف افکار عمومی از حملات نازی - فاشیستها و بدنام کردن جنبش اعتراضی عادلانه ، استفاده می نمایند اما :

" نیروهای صادق و واقعا " مبارز ضد نازیها و ضدمه ؛ جریان فاشیستی دیگر . خواه ترک کرد ، آلمانی و یا ملیتهای دیگر - نقشه های امپریالیستی آلمان غربی را نقش بر آب خواهند کرد !

مبارزه علیه ناسیونالیسم ، راسیسم و شوونیسم !

زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری !

در ماه مه ۱۹۹۳ "خلاف جریان" شماره ۶۲ در ۱۲۰ صفحه تحت عنوان زیر چاپ رسید :

درباره : مقاومت در اردوگاههای (....) و کشتارگاههای فاشیسم نازی

نکاتی از فهرست آن : - اردوگاهها و کشتارگاهها در سیستم فاشیسم نازی - قراقرم ای ... - Treblinka ... (و سوبیبور ...) Sobibor

تصحیح اشتباه در بولتن ۱/۹۳

در صفحه ۴ بولتن ۱/۹۳ درباره تجدید نظر در مسائل ملیتهای اتحاد شوروی پس از بقدرت رسیدن رویزونیستهای خوشحرف - برژنف آمده است : بطور مثال اجباری و رسمی کردن زبان در همه جمهوریهای اتحاد شوروی و ... صحیح آن بدینمورد است : بطور مثال کوششهای مداوم برای اجباری و رسمی کردن ...

Wehrt Euch, laßt Euch von deutschen Verbrechern nicht abfackeln!

"Wir Überlebenden des Holocaust und unsere Angehörigen, wir werden unseren Toten nicht wieder wehrlos gegenüberstehen - niemals und in keiner Weise, niemals nur in Worten."

Wehrt Euch, laßt Euch von deutschen Verbrechern nicht abfackeln, duldet nicht, daß die Euro Möller, Euro Väter, Brüder, Schwäger, Söhne und Töchter leben! Bald verrotten, wenn sie kommen, errotet, daß sie kommen überleben - heute Nacht, morgen Nacht und lange nach! Eingetragt als, wie diese Nachtstatten sie verdient haben, und erntet sie durch Euro Gegenwehr die das, was sie sind: leuchtende Feiglinge, denen nichts wichtiger ist als die Unversehrtheit des eigenen Leibes, Frauen und Kinder zu schützen.

Deutsche bewahrt selbst und fordert Euch zu wehren. Wer, da bin ich Anker, zeigt den Zähnen, wenn es um die Euch verleiht Euch in die Füsse in Moskau.



Euro Heimaisten Deutsche auf, mit - so werden sich nicht, genug an Brandstifter die kommen, und angehen, das und schlägt sie denn zu nanzen in Moskau.

Es ist Euer Verantwortung selbst zu beorgen, wenn der Staat Euch nicht schützen kann, kein Gehör den Klagehelfern, die selbst unbedacht sind, aber

یلاکات زیر را که به زبانهای مختلفی چاپ و رسیده - میتوانید با مراجعه به آدرس زیر تهیه نمایید :